

بررسی رابطه بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن (اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه)

جعفر نصاری پور^{۱*}

صالح شهابی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰

چکیده

با توجه به مطالعات پیشین و پژوهش لاریسا و همکارانش در سال ۲۰۲۱، اداره امور مالیاتی سعی نموده است از زمینه دیجیتالی شدن به منظور بهبود فعالیت های خود انجام دهد که برای این مورد باید به کارایی کنترل توجه نماید؛ این فرایند می تواند در کاهش زمان برای مشتریان و یا تسهیل آن نیز مفید واقع شود، به طوری که با ارزیابی کارایی کنترل توسط مودیان مالیاتی می توانند از کارهای دیجیتالی بهره مند شوند؛ از این رو هدف از انجام این مقاله تعیین رابطه بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن (اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه) می باشد. داده های پژوهش به روش مقطعی و در سال ۱۴۰۱، از طریق پرسشنامه جمع آوری شده است. نمونه آماری به صورت سرشماری تعداد ۵۲ نفر شامل مدیران، کارکنان، کارشناسان حسابداری و مالی فعال در این اداره امور مالیاتی انتخاب شده است. روش پژوهش توصیفی - پیمایشی از نوع کاربردی بوده و توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ و روایی و پایایی داده ها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ انجام گرفته است. یافته های پژوهش پژوهش نشان می دهد که بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن در اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بنابراین، رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل از طریق پنج شاخص حسابرسی مالیاتی، حسابرسی اداری، حسابرسی میدانی، اثربخشی کنترل امور مالیاتی، کنترل امور مالیاتی ریسک محور می تواند بر مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن اثرگذار باشد که در نهایت، افزایش درآمد مالیاتی و رشد اقتصادی کشور را به همراه دارد.

واژگان کلیدی

کارایی کنترل، مدیریت امور مالیاتی، حسابرسی مالیاتی، حسابرسی میدانی، کنترل امور مالیاتی ریسک محور

۱. دانشجوی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد، ایران. (نویسنده مسئول: jafarnasari63@gmail.com)

۲. مدیر گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد، ایران. (s.shahabi@yahoo.com)

مقدمه

موضوع این مطالعه که از پژوهش لاریسا و همکاران در سال ۲۰۲۱ برگرفته شده است، توسعه مدیریت امور مالیاتی و کنترل مالیاتی است. توسعه اقتصاد دیجیتال و فضای اطلاعات مطالبات جدیدی را در مورد کنترل امور مالیاتی و روش های ارزیابی آن ایجاد کرده است. در همین راستا، مطالعه آنها روندهای جهانی در توسعه اداره امور مالیاتی را برجسته کرده و اصول ایجاد یک سیستم مؤثر برای اداره و کنترل امور مالیاتی را تعیین می کند. در مطالعه آنها ماهیت رویکردهای ریسک محور در انجام اقدامات کنترلی را نشان داده، عناصر کلیدی مدل کنترل و نظارت ریسک محور مقامات امور مالیاتی را برجسته کرده و سیستم های اطلاعاتی روسیه را معرفی می کند. نویسندگان بیان می کنند که لازم است روش ارزیابی اثربخشی کنترل امور مالیاتی به عنوان یک وظیفه علمی و عملی مهم برای توسعه سیاست مالی دولت بهبود یابد. همچنین یک تحلیل تطبیقی برای رویکردهای اصلی در شکل گیری روش های ارزیابی اثربخشی فرآیند و کنترل اداره امور مالیاتی انجام شده است؛ و در نهایت با در نظر گرفتن مفاد علمی و روش شناختی ارائه شده، دستورالعمل های توسعه ارزیابی اثربخشی فعالیت های کنترلی مقامات مالیاتی تدوین شده است. ادارات امور مالیاتی از نظر کار با آرایه های داده، توجه به تعامل با مشتریان، انعطاف پذیری ساختار و همچنین در کسب و توسعه مهارت های جدید، روز به روز بیشتر شبیه شرکت های دیجیتال پیشرو می شوند. امروزه به دلیل کار کردن با حجم زیادی از اطلاعات، تعامل مداوم با مودیان مالیاتی و افزایش شفافیت عملیات، ادارات مالیاتی به پلتفرم های کسب و کار دیجیتال تبدیل شده اند. در آینده نزدیک، همه روابط اقتصادی در شبکه مجازی شفافیت مالی مالیات دهندگان منعکس خواهد شد. در گام بعدی این سازمان در یک فضای اعتماد محور، آماده اشتراک گذاری اطلاعات شخصی با بازرسان در ازای شفافیت کامل در مورد موقعیت خود خواهد بود. سیستم های مالیاتی از روش تکمیل خودکار اظهارنامه ها بر اساس اطلاعات موجود به روش حذف کامل این فرم های غیر ضروری گزارشگری تغییر خواهند کرد. برای مالیات دهندگان خوش سابقه، پرداخت مالیات به یک امر عادی تبدیل می شود که نیازی به هیچ تلاشی ندارد و تقریباً بدون مشارکت آنها انجام می شود. فعالیت های کنترلی بازرسان فقط بر متخلفان احتمالی متمرکز خواهد بود (لاریسا و همکاران، ۲۰۲۱)؛ بنابراین احتمال می رود بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن رابطه معناداری وجود داشته باشند و این رابطه بتواند نقش قابل ملاحظه ای در هزینه های مالیاتی و عملکرد شرکت ها و بنگاه های تجاری ایجاد نماید؛ به طوری که با دیجیتالی شدن فعالیتها به چه میزان می تواند در کسب و کارها و سیستمهای مالیاتی اثر داشته باشد؛ از این رو با توجه به بیانات فوق الذکر این پژوهش به دنبال آن است که رابطه بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن مورد بررسی قرار دهد و یا به عبارتی درصدد است پاسخ معینی برای رسیدن به این سوال پیدا نماید که آیا بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

هدف از این مطالعه توسعه رویکردهای اصلی به شکل گیری مدل هایی برای تعیین اثربخشی اداره و کنترل مالیاتی بر اساس ارزیابی انتقادی از دیدگاه های نظری، محققان خارجی و رویه های تثبیت شده، چه داخلی و چه جهانی می باشد.

چالش های تضمین رشد و توسعه اقتصادی به طور جدایی ناپذیری به هم مرتبط هستند؛ برای بهبود سیستم های مالیاتی از دیدگاه ایالت، مالیات موضوع مهمی است و ابزار اقتصادی برای تضمین رشد اقتصادی و جذب منابع مالی برای برنامه های توسعه ملی به شمار می رود (هنگ و همکاران^۲، ۲۰۱۹). داده های آماری نشان می دهد که ارزش سیستم مالیاتی به عنوان منبع اصلی درآمد بودجه در هر ایالت غیرقابل انکار است (گیرونی و گیروناس^۳، ۲۰۱۷). در همین زمان حال، از وظایف واقعی امور مالیاتی، به حداکثر رساندن وصول مالیات و به حداقل رساندن فرار مالیاتی است که دستیابی به آن در عمل دشوار است. ارزیابی کل نگر از اثربخشی و بهینه بودن سیستم مالیاتی، با توجه به مشکل بودن شناسایی مناطق، یک موضوع پیچیده چند عاملی برای دانشمندان به شمار می رود؛ زیرا سیستم واحدی برای ارزیابی شاخص های نظام مالیاتی وجود ندارد. مدیریت مالیات توسط یک زیر سیستم خاص در ساختار سیستم مالیاتی متمایز می شود که در آن ادارات مالیاتی تأثیر کنترلی بر درآمدهای مالیاتی و سیستم کنترل مالیاتی داخلی دارند (پورولا^۴، ۲۰۱۳). هنگام ایجاد و بهبود سیستم های مالیاتی، به حداقل رساندن هزینه های اداری و انطباق آن هم برای دولت و هم برای مالیات دهندگان بسیار مهم است. آدام اسمیت این اصل را اقتصاد جمع آوری نامید (فلیسچاکر^۵، ۲۰۰۴). اکثر حوزه های قضایی خارجی سیستم های مالیاتی خود را دیجیتالی می کنند. در چنین کشورهایی حدود ۹۰ درصد مودیان به ارائه اظهارنامه مالیاتی الکترونیکی و پرداخت الکترونیکی مالیات روی آورده اند که باعث می شود زمان صرف شده توسط مالیات دهندگان را کاهش دهد. به طور مشابه، مزایای هر گونه اصلاح در مدیریت درآمد سیستم بودجه باید بیشتر از هزینه های مرتبط با تصویب آن باشد، از جمله هزینه های انتقال و اجرا. در دو دهه اخیر، روند مثبت جهانی از کارایی اطلاع رسانی و سطح اداره مالیات افزایش یافته است. گزارش ها نشان داده است اداره امور مالیات نشان دهنده افزایش سرمایه گذاری مقدماتی در زمینه دیجیتالی شدن به منظور: تسهیل تشکیل پرونده و پرداخت مالیات؛ اتوماسیون یا تنظیم خودکار تجزیه و تحلیل داده های مالیات دهندگان و اشخاص ثالث؛ بهبود ارتباط بین مالیات دهندگان و مقامات مالیاتی می باشد (لاریسا و همکاران، ۲۰۲۱).

امروزه انواع مختلفی از سیستم های صورتحساب الکترونیکی در سراسر جهان استفاده می شود. مقامات مالیاتی می توانند از پلتفرم هایی استفاده کنند که به شرکای تجاری اجازه می دهد اسناد الکترونیکی را از طریق یک شبکه خاص مبادله کنند؛ این مورد در کشورهای مختلف مانند دانمارک، سوئد و سنگاپور مشاهده شده است. در ایتالیا و جمهوری اسلواکی نیز فرمت هایی تنظیم شده است که ارتباط با دولت و انتقال آن از طریق پورتال آنلاین می باشد و مالیات دهندگان می توانند به صورت آنلاین صورتحساب خود را پرداخت نمایند. در نهایت، مقامات مالیاتی می توانند از صندوق فروش آنلاین استفاده کنند. ابتکاراتی که خرده فروشان را ملزم به استفاده از نرم افزار صندوق فروش آنلاین برای آپلود فوری داده ها به پورتال اداره مالیات ارائه می دهد. در روسیه نیز هر یک رسید تولید شده توسط صندوق دارای یک کد اقتصادی است که مصرف کننده می تواند از آن استفاده و صحت ثبت معامله را تأیید نماید. سیستم صندوق دار آنلاین مبتنی بر فناوری «اینترنت اشیا» است؛ در حالت زمانی و تاریخ روزانه، تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به شرکت ها به صورت واقعی به مقامات مالیاتی منتقل می شود، در نتیجه از تقلب جلوگیری می کند و امکان ارزیابی ریسک ها را به صورت خودکار فراهم می کند که به نوبه خود نیاز به ممیزی مالیاتی را کاهش می دهد. با این حال، در برخی از کشورها، معرفی

فناوری های جدید دیجیتال ثابت شده مشکل ساز است. مطالعات نشان می دهد پیاده سازی سیستم جدید اطلاعات مدیریت درآمد در سری لانکا اعلام شده است و برای آنها موانع و مشکلات اجرایی مانند زیرساخت ضعیف را شناسایی کردند، مقاومت در برابر تغییر (به ویژه در میان کارگران مسن) و چارچوب قانونی که از عملکرد کامل سیستم جلوگیری می کند. تغییر به سیستم های بلادرنگ می تواند مزایای قابل توجهی برای ادارات مالیاتی داشته باشد. از جمله کنترل بیشتر بر داده های مالیات دهندگان و افزایش پیشگیری از معیارهای تقلب را می توان نام برد. استانداردهای گزارشگری، تبادل اطلاعات مالیاتی و مالی در توسعه اقتصاد دیجیتال، نیاز به افشای اطلاعات برای اهداف مالیاتی و اطمینان از شفافیت فرآیندهای تجاری در فضای جهانی نقش مالی بین المللی را تقویت می کند (لاریسا و همکاران، ۲۰۲۱). در ایران نیز سازمان امور مالیاتی تلاش می کند تا بسیاری از فعالیت های خود را به صورت الکترونیکی انجام دهد؛ اظهارنامه مالیاتی و تکمیل یا ارائه آن یکی از این موارد می باشد و در صورت تنظیم هزینه معاملاتی می توان، پرداخت مالیات را نیز به صورت آنلاین انجام داد؛ بنابراین ضروری است که با توجه به دیجیتالی شدن اداره امور مالیاتی، رویکردهای اصلی ارزیابی کارایی کنترل و مدیریت امور مالیاتی را مورد سنجش قرار داد تا مشخص گردد این فرآیند چه مزایایی برای مودیان مالیاتی یا مالیات دهندگان به همراه دارد؛ در ادامه به متغیرهای پژوهش پرداخته می شود.

حسابرسی مالیاتی: حسابرسی مالیاتی با هدف بهبود انطباق رفتار پرداخت کنندگان با قوانین مالیاتی در سیستم خود ارزیابی مالیات انجام می شود (چن و همکاران، ۲۰۰۰). هدف اصلی از فعالیت های انطباق مقامات مالیاتی بهبود انطباق کلی با قوانین مالیاتی است و در این فرآیند، اعتماد عمومی را به سیستم مالیاتی و اداره آن برانگیزد منصف هستند (آمبالانگودیک و همکاران، ۲۰۲۰). حسابرسی یکی از ابزارهای اصلی مبارزه عدم انطباق با قوانین است و در اکثر کشورها، مقامات مالیاتی بیشترین منابع برای اداره قوانین مالیاتی تخصیص می دهند (لاریسا و همکاران، ۲۰۲۱).

حسابرسی اداری: منظور از حسابرسی اداری، یعنی اینکه بتواند میزان حسابرسی ها در زمینه فعالیت های اداره امور مالیاتی صورت پذیرد، به طوری که هر کارمندی که وظایف مربوط به پرونده های مختلف مالیاتی را انجام می دهد، باید بتواند میزان ثبت اطلاعات و مواردی که انجام شده است را کنترل نماید تا اشتباهات ممکن را به حداقل برساند و از طرفی مالیات دهندگان با اعتماد بیشتری نسبت به پرداخت مالیات خود اقدام نمایند. حسابرسی اداری در واقع این است که هر مودی یا کارمندی نسبت به وظایف خود انجام می دهد تا در نهایت به صورت کلی آن اداره امور مالیاتی در فعالیت های خود نقش مثبتی داشته باشد و با مدیریت بهتری صورت گیرد (لاریسا و همکاران، ۲۰۲۱).

حسابرسی میدانی: با عنایت به اینکه امکان حسابرسی کلیه مودیان خصوصاً توسط آنها وجود ندارد، این حالت، یک جنبه حیاتی است که دو عنصر عملکرد حسابرسی از شکلی استفاده می کنند که در انتخاب پرونده انواع بازرسی صورت پذیرد و می تواند از بازرسی های ساده با توجه به مشاهده جزئیات و بازرسی های میدانی عمیق در محل مودیان مالیاتی متفاوت باشد. انتخاب پرونده بستگی به ریسک محاسبه شده بر اساس انطباق دارد، مواردی مانند میزان گردش مالی، نتایج قبلی حسابرسی، مدت زمان از آخرین حسابرسی، قابلیت اطمینان اظهارنامه ها و غیره از مالیات الکترونیک دولت ها استفاده می کنند (۲۰٪ مالیات دهندگان، ۸۰٪ از مالیات های جمع آوری شده). اگرچه چنین سیاستی مزایای بسیاری دارد، اما نباید چنین باشد با هزینه حذف مالیات دهندگان با ریسک بالا و پایین درآمد اجرا می شود. در واقع حسابرسی میدانی به ارزیابی

و بررسی دقیق تر پرونده های مالیاتی اشاره دارد که توسط مودیان مالیاتی مورد بررسی قرار می گیرد (لاریسا و همکاران، ۲۰۲۱).

اثربخشی کنترل امور مالیاتی: با توجه به اهمیت بحث مالیات و موارد مربوط به آن کنترل امور مالیاتی نیز دارای اثربخشی روی کلیه فعالیت مالیاتی می گذارد. در این خصوص نیز برای کنترل و ارزیابی دقیق تر فعالیت های مالیاتی می بایست هر یک از کارکنان یا کارشناسان مالیاتی در حوزه فعالیت های خود امور مالیاتی را مورد کنترل قرار دهد و با مدیریت دقیق تر آن بتواند امور مالیاتی و فعالیت های مربوط به آن را مورد رسیدگی و ارزیابی دقیق و کامل قرار دهد تا بدون اشتباه یا حداقل ترین اشتباه ممکن بتواند فعالیت ها و پرونده های مربوط به هر یک از مالیات دهندگان را به صورت دقیق ثبت و ضبط نماید و از طرفی برای پرداخت مالیات به مالیات دهندگان اطمینان حاصل نماید که مالیات پرداختی آنها به درستی انجام شده است تا از این طریق نیز بتواند بر مدیریت امور مالیاتی اثری مثبت داشته باشد و با توجه به دیجیتالی شدن رفته رفته کنترل امور مالیاتی کمتر خواهد شد؛ چراکه مراتب به صورت خودکار و الکترونیکی تنظیم می گردد (لاریسا و همکاران، ۲۰۲۱).

کنترل امور مالیاتی ریسک محور: یکی دیگر از رویکردهای ارزیابی کنترل امور مالیاتی فعالیت های ریسک محور می باشد که برای این منظور نیز مودیان مالیاتی و کارمندان می بایست فعالیت هایی که ریسک محور هستند را بیشتر مورد ارزیابی قرار دهند تا اختلاف یا مشکلاتی در این راستا نیز وجود نداشته باشد، فعالیت های ریسک محور می تواند خطرات بیشتری برای اداره امور مالیاتی به همراه داشته باشد، بنابراین مودیان و کارشناسان مالیاتی باید به این نکته توجه بیشتری داشته باشند که فعالیت های ریسک محور می تواند ضربه های محکم تری به اداره امور مالیاتی وارد نماید که ممکن است جبران آن خسارت بیشتری را به همراه داشته باشد؛ پس در این راستا نیز باید تلاش و همت بیشتری به خرج داد تا فعالیت های ریسک محور را کاهش یا مورد ارزیابی دقیق تری قرار دهند (لاریسا و همکاران، ۲۰۲۱).

مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن: امروزه در کشورهای مختلف فعالیت های امور مالیاتی از گذشته تا کنون رفته رفته به سمت دیجیتالی شدن پیش می روند و از طرفی میزان فعالیت های خود را کاهش می دهند و سعی بر این دارند که با استفاده از دیجیتالی شدن کنترل کردن و ارزیابی امور مالیاتی را کاهش دهند که این مسئله برای مالیات دهندگان نیز بهتر می باشد چراکه با مدت زمان کمتری می توانند بر میزان مالیات پرداختی خود اطلاعات کسب نمایند و به صورت آنلاین آن را پرداخت نمایند که از سپری کردن زمان در اداره امور مالیاتی و یا دوندگی برای پرداخت مالیات به بانکها و یا دیگر سازمان های دولتی کاهش پیدا می کند (لاریسا و همکاران، ۲۰۲۱).

مروری بر نتایج تجربی تحقیق در ایران و جهان

عالی پور و ممینی (۱۴۰۱)، رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در سایر کشورها در زمینه دیجیتالی شدن را بررسی نمودند. نویسندگان بیان می کنند که لازم است روش ارزیابی اثربخشی کنترل امور مالیاتی به عنوان یک وظیفه علمی و عملی مهم برای توسعه سیاست مالی دولتها در سایر کشورها بهبود یابد و کنترل مالیات باید زمانی موثر در نظر گرفته شود که مستلزم کاهش واقعی در تعداد جرایم مالیاتی مرتکب شده باشد. اثربخشی کنترل مالیات را می توان با نسبت میزان مالیات ها که به طور مستقل توسط مالیات دهندگان و پتانسیل مالیاتی منطقه به دست می آیند، مشخص کرد همچنین یک تحلیل تطبیقی برای رویکردهای اصلی در شکلگیری روشهای ارزیابی اثربخشی فرآیند و کنترل اداره امور مالیاتی در سایر کشورها انجام شده است. یک مدل جامع برای ارزیابی اثربخشی کار کنترل

مراجع مالیاتی باید شامل جنبه اثربخشی پیشگیرانه اقدامات کنترل باشد که میتواند براساس در نظر گرفتن اثربخشی سازمانی و تکنولوژیکی و پیشگیرانه و انضباطی کنترل اجرا شود.

محمودزاده و حسن زاده (۱۴۰۱)، مالیات بر تجارت الکترونیکی: مقدمه ای بر تدوین قانون مالیات بر تجارت الکترونیکی در ایران را بررسی نمودند. در این راستا انجام اقداماتی از سوی دولت جهت شناسایی شرکتها، مشاغل، ثبت فروشگاههای اینترنتی و استفاده از ابزارهای الکترونیکی در جمع آوری مالیاتها و قوانین بین المللی سبب افزایش درآمدها و گسترش تجارت می شود. از اینرو لازم است به سادگی قوانین، توانایی اجرا، سازگاری، جلوگیری از وصول مالیات بیشتر، نبود تبعیض و امنیت مبادلات توجه شود.

کامیاب تیموری و همکاران (۱۴۰۰)، به شناسایی ریسکهای قابل کنترل عدم تمکین مالیاتی با رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری در مدیریت امور مالیاتی پرداختند. رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری مدل و روابط ارائه و پس از آزمون مدل محرکهای شناسایی شده، دسته بندی گردیده اند. شناسایی محرکهای عدم تمکین بجای موارد آن، به عنوان شکاف دانشی قابل بررسی شناخته شده است. نوآوری این تحقیق تمرکز روی شناسایی محرکهای عدم تمکین داخلی است که امکان تاثیر گذاری بر آنها از طریق سیاست گذاری سازمان امور مالیاتی، با هدف پیشگیری از عدم تمکین، وجود دارد؛ بنابراین سازمان مالیاتی میتواند با استفاده از نتایج این تحقیق تغییرات یا اصلاحاتی در قوانین و مقررات و فرایندهای اجرایی به عمل آورده و در مدیریت تمکین مالیاتی نقش موثرتری ایفا نماید.

لاریسا و همکاران (۲۰۲۱)، رابطه بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتال شدن را مورد سنجش قرار دادند. نتایج نشان داد رویکردهای مختلفی برای ارزیابی عملکرد ارائه شده است و ادارات مالیاتی به طور کلی و ممیزی های مالیاتی به طور خاص شناسایی شدند و در ادامه بردارهای توسعه مدل شناسایی شدند. مدلی یکپارچه برای ارزیابی اثربخشی مقامات مالیاتی ارائه شد و کار کنترلی باید شامل جنبه اقدامات کنترلی اثربخشی پیشگیرانه باشد، بر اساس ایده های سازمانی، فناوری و اثربخشی پیشگیرانه- انضباطی، ارزیابی کنترلی صورت پذیرفت. جینگان چن و همکاران^۹ (۲۰۲۰)، تست و پیاده سازی مدیریت مالیات دیجیتال را بررسی نمودند. دیجیتالی شدن نوید می دهد که با تغییر نحوه جمع آوری، پردازش، اشتراک گذاری و عمل دولت ها بر اساس اطلاعات، سیاست های مالی را تغییر دهد. اطلاعات بیشتر و با کیفیت بالاتر می تواند نه تنها طراحی سیاست برای مالیات و هزینه ها، بلکه سیستم هایی را برای مدیریت آنها، از جمله اداره مالیات و انطباق، ارائه خدمات عمومی، مدیریت برنامه های اجتماعی، مدیریت مالی عمومی و غیره را بهبود بخشد. کشورها باید مسیرهای خود را ترسیم کنند تا به طور موثر منافع بالقوه را در برابر خطرات و چالش ها، از جمله محدودیت های نهادی و ظرفیت، نگرانی های مربوط به حفظ حریم خصوصی و راه های جدید تقلب و فرار متوازن کنند.

ماریجا کوویچ^۹ (۲۰۲۰)، در مطالعه ای با عنوان به سمت دیجیتالی شده اداره مالیاتی به بررسی قدرت دیجیتالی شدن فعالیت های مالیاتی بر زندگی مردم پرداختند. نتایج نشان داد فرآیند دیجیتالی شدن می تواند به صورت آنلاین و با استفاده از پلتفرم ها و با کاربرد دستگاه های هوشمند و اینترنت به صورت سریع و ارزان بر زندگی مردم اثری مثبت داشته باشد و رفته رفته مردم به استقبال دیجیتالی شدن فعالیت های مالیاتی می روند.

فرضیه های پژوهش با توجه به مطالعه لاریسا و همکاران (۲۰۲۱)، به صورت ذیل تدوین شده است:

فرضیه اصلی: بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن در اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی اول: بین حسابرسی مالیاتی و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن در اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین حسابرسی اداری و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن در اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی سوم: بین حسابرسی میدانی و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن در اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی چهارم: بین اثربخشی کنترل امور مالیاتی و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن در اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی پنجم: بین کنترل امور مالیاتی ریسک محور و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن در اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق:

با توجه به موضوع پژوهش و با استفاده از روش استفاده شده در مقاله بیس لاریسا و همکاران (۲۰۲۱)، از روش توصیفی-پیمایشی استفاده می شود. این پژوهش از لحاظ هدف، پژوهش کاربردی، توصیفی، استدلال استقرایی از نوع تئوری های اثباتی می باشد. براساس هدف که بدنبال بررسی رابطه بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن (اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه) می باشد، از روش پژوهش همبستگی استفاده شده است.

جامعه آماری مربوط به اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه و به روش مقطعی در سال ۱۴۰۱ می باشد، نمونه آماری از بین مدیران، کارکنان، کارشناسان و سایر نیروی فعال در اداره امور مالیاتی به صورت سرشماری انتخاب شد. افراد منتخب از جامعه آماری باید حداقل ۳ سال فعالیت داشته باشند.

نمونه گیری

با توجه به اینکه تعداد اعضای جامعه آماری اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه می باشند؛ بنابراین، تعداد نمونه آماری منتخب در این مطالعه ۵۲ نفر می باشد. به عبارتی با توجه به جامعه آماری، نمونه آماری به روش تصادفی یا سرشماری انتخاب شدند.

روش اندازه گیری متغیرهای پژوهش:

متغیر وابسته؛ مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن: این شاخص نمرات ۱ تا ۳ پرسشنامه را تشکیل داده است و میزان نمره ای است که از پرسشنامه محقق ساخته بدست آمده است.

متغیرهای مستقل؛ رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل: این شاخص نمرات ۴ تا ۱۸ پرسشنامه را تشکیل داده است شامل این متغیر از ۵ شاخص تشکیل شده است که شامل حسابرسی مالیاتی؛ حسابرسی اداری؛ حسابرسی میدانی؛

اثربخشی کنترل امور مالیاتی؛ کنترل امور مالیاتی ریسک محور میباشد؛ میزان نمره ای است که از پرسشنامه محقق ساخته، بدست آمده است.

روایی و پایایی ابزار سنجش: در پژوهش حاضر به دلیل استاندارد بودن پرسشنامه‌های بکار گرفته شده روایی آنها به طور طبیعی مورد تأیید قرار می‌گیرد. اظهار نظر و تأیید استاد راهنما و چند تن از متخصصان دیگر مربوط به رشته‌های آمار و اقتصاد نیز اخذ گردید. برای برآورد پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتایج آن برای فرضیه تحقیق آورده شده است. از آنجایی که مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از متغیرهای تحقیق بالای ۰/۷۰ است، لذا چنین می‌توان ادعان داشت که هر یک از متغیرها و در نهایت ابزار پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار است.

جدول ۱- آزمون آلفای کرونباخ برای گویه‌ها

مقدار آلفا	گویه‌ها
۰/۸۸	مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن
۰/۸۷	حسابرسی مالیاتی
۰/۸۵	حسابرسی اداری
۰/۸۶	حسابرسی میدانی
۰/۸۳	اثربخشی کنترل امور مالیاتی
۰/۸۴	کنترل امور مالیاتی ریسک محور

یافته‌های پژوهش:

ویژگی‌های جنسیت، سن، تحصیلات افراد در دسترس نمونه آماری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۲- توزیع فراوانی نمونه آماری

جنسیت	فراوانی	درصد	دامنه سنی	فراوانی	درصد	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
آقا	۴۷	۹۰/۳۹٪	۲۰ تا ۳۰ سال	۲	۳/۸۵	دیپلم	۲	۳/۸۵
خانم	۵	۹/۶۱٪	۳۰ تا ۴۰ سال	۳۳	۶۳/۴۷	کاردانی	۸	۱۵/۳۸
			۴۰ تا ۵۰ سال	۱۶	۳۰/۷۶	کارشناسی	۲۵	۴۸/۰۸
			بیش از ۵۰ سال	۱	۱/۹۲	کارشناسی ارشد	۱۷	۳۲/۶۹
کل	۵۲	٪۱۰۰	کل	۵۲	٪۱۰۰	کل	۵۲	٪۱۰۰

بر اساس جدول بالا ۹۰/۳۹ درصد از افراد نمونه را آقایان تشکیل می‌دهند. این رقم در خصوص خانم‌ها به ۹/۶۱ درصد کاهش یافته است.

همچنین مشاهده می شود، ۳/۸۵ درصد از افراد نمونه آماری بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۶۳/۴۷ درصد بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۳۰/۷۶ درصد بین ۴۰ تا ۵۰ سال، ۱/۹۲ درصد بیشتر از ۵۰ سال می باشد. در خصوص سطح تحصیلات نیز، ۳/۸۵ درصد افراد دیپلم، ۱۵/۳۸ درصد کاردانی، ۴۸/۰۸ درصد کارشناسی، ۳۲/۶۹ درصد کارشناسی ارشد را تشکیل داده اند.

فرآیند تجزیه و تحلیل متغیرها

در این مرحله برای توصیف متغیرهای اصلی پژوهش از میانگین، انحراف معیار، بیشینه و کمینه داده ها استفاده شده است. با توجه به پرسشنامه که از طیف لیکرت استفاده شده، عدد یک بیانگر حد ضعیف و عدد ۳ بیانگر حد وسط و عدد ۵ بیانگر حد بالا در طیف لیکرت می باشد که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۳- تجزیه و تحلیل متغیرها در مدل

متغیرها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن	۳/۲۲	۴/۹۵	۴/۲۹	۰/۳۲
حسابرسی مالیاتی	۳/۴۸	۵/۰۰	۴/۳۲	۰/۳۶
حسابرسی اداری	۳/۳۵	۴/۹۵	۴/۲۸	۰/۳۲
حسابرسی میدانی	۳/۲۵	۴/۹۵	۴/۱۵	۰/۳۴
اثربخشی کنترل امور مالیاتی	۳/۱۵	۵/۰۰	۴/۱۸	۰/۳۳
کنترل امور مالیاتی ریسک محور	۳/۳۸	۴/۹۰	۴/۱۲	۰/۳۱

همانطور که مشخص است بیشترین میانگین مربوط به حسابرسی مالیاتی با میزان ۴/۳۲ و کمترین میانگین مربوط به کنترل امور مالیاتی ریسک محور با ۴/۱۲ است.

آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف و ضریب آلفای کروباخ

در جدول ذیل نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف خلاصه شده است

جدول ۴- نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف

گویه ها	ضریب بدست آمده	نتیجه
مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن	۰/۰۵۸	تایید نرمال بودن توزیع آماری
حسابرسی مالیاتی	۰/۰۵۳	تایید نرمال بودن توزیع آماری
حسابرسی اداری	۰/۰۵۰	تایید نرمال بودن توزیع آماری
حسابرسی میدانی	۰/۰۵۵	تایید نرمال بودن توزیع آماری
اثربخشی کنترل امور مالیاتی	۰/۰۵۶	تایید نرمال بودن توزیع آماری
کنترل امور مالیاتی ریسک محور	۰/۰۵۲	تایید نرمال بودن توزیع آماری

با توجه به نتیجه بدست آمده نرمال بودن توزیع همه گویه ها مورد تایید میباشد.

جدول ۵- ضریب آلفای کرونباخ و تعداد سوالات

مولفه	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ
مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن	۳	۰/۸۸
حسابرسی مالیاتی	۳	۰/۸۷
حسابرسی اداری	۳	۰/۸۵
حسابرسی میدانی	۳	۰/۸۶
اثربخشی کنترل امور مالیاتی	۳	۰/۸۳
کنترل امور مالیاتی ریسک محور	۳	۰/۸۴

در این بخش با توجه به ماهیت متغیرهای پژوهش به فرضیه های پژوهش با روش های عدم هم خطی متغیرها پاسخ داده می شود.

آزمون عدم هم خطی متغیرها (VIF)

جدول ۶- نتیجه آزمون عدم هم خطی

معادله مورد نظر	آماره VIF	تلورانس	نتیجه
مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن	۱/۰۱	۰/۷۱	تایید عدم همخطی
حسابرسی مالیاتی	۱/۰۴	۰/۷۳	تایید عدم همخطی
حسابرسی اداری	۱/۰۷	۰/۸۲	تایید عدم همخطی
حسابرسی میدانی	۱/۰۹	۰/۷۸	تایید عدم همخطی
اثربخشی کنترل امور مالیاتی	۱/۰۸	۰/۷۵	تایید عدم همخطی
کنترل امور مالیاتی ریسک محور	۱/۰۳	۰/۷۷	تایید عدم همخطی

آزمون تی تک نمونه ای برای متغیرها

جدول ۷- نتیجه آزمون تی تک نمونه ای

معادله مورد نظر	ضریب	سطح معناداری	نتیجه
حسابرسی مالیاتی	۴/۲۲	۰/۰۳۱	تایید
حسابرسی اداری	۴/۳۲	۰/۰۲۲	تایید
حسابرسی میدانی	۴/۲۶	۰/۰۲۰	تایید
اثربخشی کنترل امور مالیاتی	۴/۰۶	۰/۰۳۰	تایید
کنترل امور مالیاتی ریسک محور	۴/۱۸	۰/۰۲۵	تایید

در همه موارد سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشد، پس این آزمون مورد تأیید قرار می گیرد.

تخمین مدل رگرسیونی

با توجه به توضیحات داده شده در فصل سوم رگرسیون ذیل تخمین زده میشود:

$$Y_1 = \beta_0 + \beta_1.X_1 + \beta_2.X_2 + \beta_3.X_3 + \beta_4.X_4 + \beta_5.X_5 + \varepsilon$$

جدول ۸- معرفی متغیرهای مدل رگرسیونی

نوع متغیر	نماد	متغیر
وابسته	Y_1	مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن
مستقل	X_1	حسابرسی مالیاتی
مستقل	X_2	حسابرسی اداری
مستقل	X_3	حسابرسی میدانی
مستقل	X_4	اثربخشی کنترل امور مالیاتی
مستقل	X_5	کنترل امور مالیاتی ریسک محور

جدول ۹- نتایج برازش مدل رگرسیونی

متغیر پاسخ: مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن			
سطح معناداری	آماره آزمون تی	ضرایب رگرسیونی	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	۲/۹۶	۰/۰۲۷	ثابت معادله (α)
۰/۰۰۰	۱۵/۰۲	۰/۰۳۶	حسابرسی مالیاتی
۰/۰۰۰	۱۴/۲۶	۰/۰۵۳	حسابرسی اداری
۰/۰۰۰	۱۶/۳۳	۰/۰۲۲	حسابرسی میدانی
۰/۰۰۰	۱۳/۲۶	۰/۰۲۴	اثربخشی کنترل امور مالیاتی
۰/۰۰۰	۱۴/۱۸	۰/۰۲۸	کنترل امور مالیاتی ریسک محور
آماره آزمون اف = $459/73$ سطح معناداری = $0/000$ ضریب تعیین = $0/85$ آماره دوربین واتسون = $2/22$			

طبق جدول فوق رابطه بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن (اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه) مورد بررسی قرار گرفت؛ با توجه به آماره دوربین واتسون و سطح معناداری دو شرط لازم برای تأیید فرضیه فوق برقرار است چراکه می بایست آماره دوربین واتسون بین $1/5$ و $2/5$ و سطح معناداری نیز صفر باشد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج بدست آمده از فرضیه‌های پژوهش، این تحقیق مشخص نمود که بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتال شدن در اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، با توجه به فرضیه‌های ویژه پژوهش که شامل ۵ فرضیه می‌باشد (حسابرسی مالیاتی، حسابرسی اداری، حسابرسی میدانی، اثربخشی کنترل امور مالیاتی، کنترل امور مالیاتی ریسک محور)، مشخص شد که متغیرهای فوق الذکر نیز در مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتال شدن در اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه نقش موثری دارند و مورد تأیید قرار گرفت؛ بنابراین این مسئله باعث می‌شود که مدیران و کارکنان اداره امور مالیاتی، به نقش حسابرسی و رسیدگیها توجه نمایند و با کنترل دقیق تر و به روزتر می‌توانند علاوه بر وجود نظم و اعمال قانون، منجر به بهبود و رشد درآمد مالیاتی شوند و با دیجیتالی شدن فعالیت ها، موجب کاهش زمان و مراجعه مستقیم مودیان مالیاتی گردند و از طرفی تسهیل در پرداخت وجه مالیاتی و آسان شدن فعالیت ها موجب می‌شود تا مالیات خود را به موقع پرداخت نمایند.

نتایج فرضیه اصلی نشان داد که بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتال شدن در اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به عبارتی دیگر رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل که شامل پنج شاخص (حسابرسی مالیاتی، حسابرسی اداری، حسابرسی میدانی، اثربخشی کنترل امور مالیاتی، کنترل امور مالیاتی ریسک محور) می‌باشد می‌تواند مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتال شدن را تحت تأثیر و منجر به تقویت آن شود. به صورت کلی، رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل، نقش مضاعفی در مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتال شدن ایجاد می‌کند و می‌تواند به ممیزان یا مأموران مالیاتی کمک نماید تا با بکارگیری آنها بتوانند گامی موثر در بهبود مدیریت امور مالیاتی بردارند. این مطالعه با پژوهش لاریسا و همکاران (۲۰۲۱)، عالی پور و ممینی (۱۴۰۱)، هم سو و هم راستا می‌باشد.

نتایج حاصل از فرضیه فرعی اول نشان داد بین حسابرسی مالیاتی و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتال شدن در اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به عبارتی دیگر حسابرسی مالیاتی می‌تواند مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتال شدن را تحت تأثیر قرار دهد و با کنترل و رسیدگی یا حسابرسی های انجام شده منجر به بهبود مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتال شدن شوند و به سهولت فعالیت های خود کمک نمایند. این مطالعه با پژوهش لاریسا و همکاران (۲۰۲۱)، جینگان چن و همکاران (۲۰۲۰)، محمودزاده و حسن زاده (۱۴۰۱)، هم سو و هم راستا می‌باشد.

نتایج حاصل از فرضیه فرعی دوم نشان داد بین حسابرسی اداری و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتال شدن در اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به عبارتی دیگر حسابرسی اداری نیز می‌تواند مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتال شدن را تحت تأثیر قرار دهد و با کنترل فعالیت های اداری و حسابرسی آن توسط حسابرسان یا مأموران مالیاتی بتوانند گامی موثر در راستای مدیریت امور مالیاتی بردارند به طوری که با حسابرسی اداری بتوانند منجر به بهبود عملکرد و نتایج بهتر مدیریت امور مالیاتی شوند و درآمد مالیاتی بیشتری را کسب و به اقتصاد کشور کمک نمایند. این مطالعه با پژوهش لاریسا و همکاران (۲۰۲۱)، ماریجا کوویچ (۲۰۲۰)، کامیاب تیموری و همکاران (۱۴۰۰)، هم سو و هم راستا می‌باشد.

نتایج حاصل از فرضیه فرعی سوم نشان داد بین حسابرسی میدانی و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن در اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به عبارتی دیگر حسابرسی میدانی نیز می‌تواند منجر به بهبود مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن شوند و با کنترل و حسابرسی مربوط به فعالیت‌ها به صورت میدانی و دقیق بتوانند گامی موثر در راستای مدیریت امور مالیاتی و فعالیت‌های مالیاتی یا تسهیل در اخذ مالیات ستانی بردارند به طوری که با حسابرسی میدانی دقیق می‌توان درآمد مالیاتی را افزایش و وضعیت اقتصادی کشور را بهبود بخشید. این مطالعه با پژوهش لاریسا و همکاران (۲۰۲۱)، سازمان امور مالیاتی (۲۰۲۰)، طیب‌نیا و سیاوشی (۱۳۹۹)، هم سو و هم راستا می‌باشد.

نتایج حاصل از فرضیه فرعی چهارم نشان داد بین اثربخشی کنترل امور مالیاتی و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن در اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به عبارتی دیگر اثربخشی کنترل امور مالیاتی نیز می‌تواند منجر به بهبود مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن شوند و با کنترل امور مالیاتی و رسیدگی‌های مربوط به فعالیت‌ها به صورت دقیق بتوانند گامی موثر در راستای مدیریت امور مالیاتی و فعالیت‌های مالیاتی یا تسهیل در اخذ مالیات ستانی بردارند به طوری که با کنترل و بررسی امور مالیاتی می‌توان درآمد مالیاتی را افزایش و وضعیت اقتصادی کشور را بهبود بخشید. این مطالعه با پژوهش لاریسا و همکاران (۲۰۲۱)، سانگ و همکاران (۲۰۱۹)، رضایی دیزگاه و فرحب (۱۳۹۸)، هم سو و هم راستا می‌باشد.

نتایج حاصل از فرضیه فرعی پنجم نشان داد بین کنترل امور مالیاتی ریسک‌محور و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن در اداره امور مالیاتی حومه شهرستان کنگان و عسلویه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به عبارتی دیگر کنترل امور مالیاتی ریسک‌محور نیز می‌تواند منجر به بهبود مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن شوند و با کنترل امور مالیاتی ریسک‌محور و رسیدگی‌های مربوط به آن به صورت دقیق بتوانند گامی موثر در راستای مدیریت امور مالیاتی و فعالیت‌های مالیاتی یا تسهیل در اخذ مالیات ستانی بردارند به طوری که با کنترل و بررسی امور مالیاتی ریسک‌محور نیز می‌توان درآمد مالیاتی را افزایش و وضعیت اقتصادی کشور را بهبود بخشید. این مطالعه با پژوهش لاریسا و همکاران (۲۰۲۱)، شاین و همکاران (۲۰۱۶)، ابوحمزه و سلیمانی امیری (۱۳۹۸)، هم سو و هم راستا می‌باشد.

با توجه به نتایج فرضیه اصلی، پیشنهاد می‌شود به روسای اداره امور مالیاتی جهت بهبود مدیریت امور مالیاتی به رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل توجه نمایند و برای بهبود وضعیت فعالیت‌های مالیاتی استراتژی‌ها و خط مشی‌هایی در زمینه روکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و شاخص‌های مربوط به آن تهیه نمایند و بکارگیری آن‌ها بتواند علاوه بر کاربرد قوانین و مقررات، به فعالیت‌ها نیز نظم ببخشند و با توجه به دیجیتالی شدن بیشتر فعالیت‌ها، مردم را به پرداخت مالیات الکترونیکی تشویق نمایند.

با توجه به نتایج فرضیه فرعی اول، می‌توان پیشنهاد نمود به روسای اداره امور مالیاتی جهت بهبود مدیریت امور مالیاتی به حسابرسی مالیاتی توجه نماید و با حسابرسی‌های منظم و دقیق بتواند مودیان مالیاتی را شناسایی و آن‌ها را به پرداخت به موقع مالیات از طریق الکترونیک دعوت نماید و برای این منظور نیز می‌توان حسابرسی مالیاتی را به صورت منظم توسط حسابرسان انجام دهند که می‌توان یکی از افراد ممیزان مالیاتی را به عنوان حسابرس داخلی معرفی نمود تا به جای حسابرسی سالانه، از حسابرسی هر ۳ ماه یک بار بهره ببرند.

با توجه به نتایج فرضیه فرعی دوم، پیشنهاد می شود به روسای اداره امور مالیاتی جهت بهبود مدیریت امور مالیاتی به حسابرسی اداری توجه نمایند و برای این منظور نیز یکی از افراد کارکنان اداره را به عنوان حسابرس اداری در نظر بگیرند تا کلیه فعالیت‌های کارکنان دیگر را زیر نظر داشته باشد و همچنین برای پرداخت الکترونیکی مالیات نیز می توان برنامه‌های تنظیم شده را به مودیان و مشتریان مالیاتی آموزش دهند تا بدون مراجعه به اداره مالیاتی و کاهش وقت بتوانند مالیات‌های خود را به راحتی پرداخت نمایند.

با توجه به نتایج فرضیه فرعی سوم، پیشنهاد می شود روسای اداره امور مالیاتی جهت بهبود مدیریت امور مالیاتی به حسابرسی میدانی نیز توجه نمایند و با رعایت حسابرسی میدانی و فصل به فصل فعالیت‌های مالیاتی می توانند به مدیریت امور مالیاتی کمک نمایند. در این راستا نیز می توان استراتژی‌هایی تهیه نمود و در اختیار حسابرسان قرار داد تا با برنامه‌ریزی دقیق و کامل بتوانند امور مالیاتی را کنترل و ارزیابی نمایند و برای سهولت کار و عدم مراجعه حضوری مشتریان یا مودیان مالیاتی به اداره امور مالیاتی، آنها را به پرداخت الکترونیکی مالیات تشویق نمایند.

با توجه به نتایج فرضیه فرعی چهارم، پیشنهاد می شود روسای اداره امور مالیاتی جهت بهبود مدیریت امور مالیاتی به اثربخشی کنترل امور مالیاتی نیز توجه نمایند و با کنترل امور مالیاتی بتوانند نتایج بهتری در امور مالیاتی داشته باشند، همچنین می توان پیشنهاد نمود برای کنترل امور مالیاتی اثربخش برنامه‌ریزی نمایند و پایان هر هفته کل فعالیت‌های اداره مالیاتی را بررسی نمود تا با بررسی دقیق، فعالیت‌های خود را با شرایط روز دنیا و امر دیجیتال شدن وفق دهند.

با توجه به نتایج فرضیه فرعی پنجم، پیشنهاد می شود روسای اداره امور مالیاتی جهت بهبود مدیریت امور مالیاتی به کنترل امور مالیاتی ریسک‌محور نیز توجه نمایند و با کنترل امور مالیاتی ریسک‌محور بتوانند نتایج بهتری در امور مالیاتی داشته باشند و ریسک‌های موجود را شناسایی نمایند، همچنین می توان پیشنهاد نمود برای کنترل امور مالیاتی ریسک‌محور برنامه‌ریزی نمود و پایان هر هفته کل فعالیت‌های اداره مالیاتی و ریسک‌های موجود را بررسی نمایند تا با بررسی دقیق، فعالیت‌های خود را با شرایط روز دنیا و امر دیجیتال شدن وفق دهند و مراجعه‌کنندگان را به پرداخت الکترونیکی با شرایط ریسک کمتر تشویق نمایند.

با توجه به نتایج پژوهش می توان برای پژوهشگران آتی پیشنهاد نمود:
 ✓ رابطه بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتال شدن در اداره امور مالیاتی با توجه به نقش فرهنگ سازمانی مورد بررسی قرار دهند.

✓ به بررسی رابطه بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتال شدن در اداره امور مالیاتی با توجه به تورم و تغییرات متغیرهای کلان اقتصادی پرداخته شود.

✓ به بررسی رابطه بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتال شدن در اداره امور مالیاتی بر اساس موقعیت استراتژی‌های مالی، رقابتی و سازمانی پرداخته شود.

✓ به بررسی رابطه بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتال شدن در اداره امور مالیاتی با توجه به کیفیت فراگیر و رشد سازمانی، نوآوری و خلاقیت سازمانی پردازند.

✓ به بررسی رابطه بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن در اداره امور مالیاتی در دیگر اداره های مالیاتی پردازند و نتایج را مقایسه نمایند.

✓ به بررسی رابطه بین رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در زمینه دیجیتالی شدن در اداره امور مالیاتی با توجه به قوانین سازمان امور مالیاتی، سازمان حسابرسی و وجود محدودیت ها پردازند.

یادداشت ها:

1. Larisa and etal
2. Heng and etal
3. Giriuniene, G., & Giriūnas, L
4. Porollo, E.V
5. Fleischacker, S
6. Chan and etal
7. Ambalangodage and etal
8. Jingnan (CeCilia) Chen
9. Marija Vuković

منابع و مأخذ

عالی پور، نعمت اله، ممینی، احمد (۱۴۰۱). رویکردهای اصلی ارزیابی کارآیی کنترل و مدیریت امور مالیاتی در سایر کشورها در زمینه دیجیتالی شدن، هشتمین کنفرانس بین المللی مدیریت، حسابداری و اقتصاد، ۱-۲۰.

کامیاب تیموری، رضا، کیقبادی، امیررضا، فرساد امان الهی، غلامرضا (۱۳۹۸). شناسایی ریسکهای قابل کنترل عدم تمکین مالیاتی با رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری در مدیریت امور مالیاتی، فصلنامه اقتصاد مالی، ۱(۳)، ۲۶۹-۳۰۱.

محمودزاده، محمود، حسن زاده، محمد (۱۴۰۱). مالیات بر تجارت الکترونیکی: مقدمه ای بر تدوین قانون مالیات بر تجارت الکترونیکی در ایران، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، ۳۷(۳۸)، ۸۵-۱۱۷.

Ambalangodage, D., Kuruppu, C., Timoshenko, K. (2020): Digitalising tax system in sri lanka: evidence from inland revenue department. In: Antipova, T. (ed.) Integrated Science in Digital Age. ICIS 2019. Lecture Notes in Networks and Systems, vol. 78. Springer, Cham (2020)

Chan, C.W., Troutman, C.S., O'Bryan, D. (2000): An expanded model of tax payers compliance: empirical evidence from the United States and Hong Kong. *J. Int. Acc. Audit. Taxat.* 9(2), 83-103 (2000)

Fleischacker, S. (2004): On Adam Smith's "Wealth of Nations": A Philosophical Companion. Princeton University Press, Princeton (2004). <https://jstor.org/stable/j.ctt7ss85>. Accessed 29 Jan 2020

Giriuniene, G., & Giriūnas, L. (2017): Identification of the complex tax system evaluation criteria: theoretical aspect. *J. Secur. Sustain. Issues* 7(2), 258-265 (2017)

Heng, L.L., Alifiah, M.N., Chen, L.E. (2019): A proposed GST compliance model of GST registered entity in Malaysia. *Int. J. Recent Technol. Eng. (IJRTE)* 8(1S), 200-206 (2019)

Jingnan (CeCilia) Chen, Shaun Grimshaw, and Gareth D. Myles. (2020). Testing and Implementing Digital Tax Administration.

Larisa. D. Elena.V. Vera. G, Elena. M. (2021). The Main Approaches to Assessing Efficiency of Tax Administration and Control in the Context of Digitalization. Springer Nature Switzerland AG. ICIS 2020, LNNS 136, pp. 95–111, 2021.

Porollo, E.V. (2013): Tax control: its essence and place in the system of state financial control. TERRA ECONOMICUS 11(3.3) 84–88 (2013).

Marija Vuković, (2020). TOWARDS THE DIGITIZATION OF TAX ADMINISTRATION. 1-8.



An Examining the relationship between the main approaches to assessing the effectiveness of control and management of tax affairs in the field of digitalization

(Department of Tax Affairs in the suburbs of Kangan and Asalouye)

Jafar nasaripour ^{*1}

Saleh Shahabi ²

Date of Receipt: 2022/12/22 Date of Issue: 2023/02/04

Abstract

According to the previous studies and the research of Larisa and her colleagues in 2021, the Tax Administration has tried to improve its activities from the field of digitalization, for which it should pay attention to the efficiency of control; This process can be useful in reducing time for customers or facilitating it, so that taxpayers can benefit from digital works by evaluating the control efficiency; Therefore, the purpose of this article is to determine the relationship between the main approaches to assessing the efficiency of control and management of tax affairs in the field of digitalization (Tax Affairs Department of the suburbs of Kangan and Asalouye). The research data was collected cross-sectionally in 1401 through a questionnaire. The statistical sample has been selected in the form of a census of 52 people, including managers, employees, accounting and financial experts active in this tax administration. The descriptive-survey research method is of applied type and it was done by SPSS software version 20 and the validity and reliability of the data was done using Cronbach's alpha test. The findings of the research show that there is a positive and significant relationship between the main approaches to assessing the efficiency of control and management of tax affairs in the field of digitalization in the tax affairs department of the suburbs of Kangan and Asalouye. Therefore, the main approaches to evaluate the effectiveness of control through five indicators of tax audit, administrative audit, field audit, effectiveness of tax affairs control, risk-based tax affairs control can affect the management of tax affairs in the field of digitalization, which ultimately increases tax revenue and It brings the economic growth of the country.

Keywords

control efficiency, tax management, tax audit, field audit, risk-based tax control

1. Accounting student, Islamic Azad University, Lamard branch, Iran (corresponding author: jafarnasari63@gmail.com)

2. Director of Accounting Department, Islamic Azad University, Lamard branch, Iran (s.shahabi@yahoo.com)